

پیشنهادی درباره قصاص

عباس عبدي

اعدام یا بهتر است بگوییم قصاص هفته گذشته يك جوان دوباره مساله قصاص را مورد توجه قرار داد و این پرسش را به میان آورد که این نحوه از مجازات تا چه اندازه پاسخگوي انتظارات جامعه امروز است؟ در اینجا به دلایل مخالفان اعدام و به طور اخص قصاص نمی‌پردازم، چون احتمال می‌دهم که اکثریت جامعه با قصاص یا اعدام قاتل حداقل در برخی قتل‌های عمد که اصطلاحاً آن را درجه يك می‌نامم موافق هستند، ولي از دو حیث دیگر به تحلیل قانون قصاص و پیشنهادهاي اجرايي به قوه قضاييه جهت استفاده از این ظرفیت اشاره می‌کنم. هر دو پیشنهاد در قالب قوانین کنونی قابلیت اجرايي یا نیاز اندکي به قانونگذاری دارند.

۱- لزوم دجه بندی قتل

بر اساس قانون موجود قتل به سه قسم است؛ قتل عمد، شبه‌عمد و خطاي محض که قتل عمد می‌تواند از نوع دفاع مشروع هم باشد. مساله اصلي قتل عمد است که مطابق قانون انجام هر فعلی که نوعاً کشنده باشد یا با قصد قتل انجام شده باشد را قتل عمد تلقي می‌کنند و حکم آن قصاص است، مگر آنکه صاحبان خون رضایت دهند. این قتلها در حقوق سایر کشورها به درجات گوناگونی تقسیم می‌شوند. اگر فرد برحسب اتفاق یا حتی تحريك مقتول و بدون طرح قبلي مرتکب قتل شود یا عرفان قصد کشتن نداشته ولي طرف کشته شده است، این موارد را متفاوت از زمانی می‌دانند که قاتل با قصد و نقشه قبلي و جنایتکارانه و به طرز فجیعی يك یا چند نفر را به قتل می‌رساند. بسیار اتفاق افتاده که مردی در يك درگیری عادي چاقو زده و به علت خونریزی مجروح فوت کرده است. این را مقایسه کنید با کسی که دیگری را شمع‌آجین کرده است. در قانون ما هر دو قتل عمد و مستوجب قصاص هستند.

ولي در بسیاری از کشورها حتی اگر قتل درجه يك را مستحق اعدام بدانند، قتل درجه دو را زندان می‌کنند. جامعه هم نمی‌پذیرد که این دو قتل از يك جنس تلقي شوند. راه حل چیست؟ مطابق قانون حق قصاص برای وليدم به رسمیت شناخته شده است، ولي این امر باید با اجازه ولي امر یا حاکم صورت گیرد. شاید گفته شود که اثبات حکم به منزله صدور اجازه است، ولي می‌دانیم که حتی با اثبات حکم قتل عمد نیز بدون اجازه ولي امر این حکم اجرا نمی‌شود. بنابراین حداقل می‌توان

قتلهای درجه دو را مستثنا از قصاص و توصیه اکید به سازش و دیه کرد. البته اکنون نیز بسیاری از این موارد به رضایت و دریافت دیه ختم میشود، ولی در هر حال میتوانست به صورت يك قاعده درآید. حاکم آنقدر حق دارد که از اختیارات خود برای نزدیک شدن به عدالت و وجدان اجتماعی استفاده کند.

۲- افزایش مدت زندان

یکی از مسائلی که موجب میشود، بسیاری از افراد رضایت ندهند و خواهان قصاص قاتل شوند، صفر و يك بودن این حکم است. اگر قاتل قصاص نشود و با دیه یا رضایت مواجه شود، پس از چند سال زندان آزاد خواهد شد. حداکثر مدت آن ده سال است که در عمل خیلی کمتر خواهد شد. از اینرو صاحبان خون ترجیح میدهند که قاتل قصاص شود و زیر بار رضایت نپیروند. همچنین برخی افراد علاقه‌ای به گرفتن دیه ندارند یا قاتل پولی برای پرداخت ندارد. از اینرو میتوان در قانون تغییراتی ایجاد کرد که شاکیان بتوانند مدت زندان را بیشتر و قطعی‌تر کرده و به عوض آن از قصاص صرف‌نظر کنند. این کار نیز هیچ مانع شرعی ندارد. همچنانکه تصویب حداکثر ۱۰ سال زندان به عنوان مجازات تعزیری برای قتل عمد نیز در قانون مقرر شد و اصولاً تعزیر به دست حاکم است و هر گونه که صلاح باشد تعیین خواهد شد و میتوان آن را در برابر قصاص و گذشت از دیه یا حداقل بخشی از دیه، به صورت زندان بدون مرخصی یا هر شیوه دیگر درآورد. به‌طور قطع این دو تغییر میتواند تعداد قصاصها را به میزان قابل توجهی کاهش دهد و تمهیدات و توجیهات قانونی و حتی شرعی آن نیز فراهم است.

مجموعه: حقوق کیفری - مجازات: قصاص و دیه - 10 صفحه - 1400